

پیشگیری از بزهدیدگی زنان

از منظر آموزه‌های اسلامی و چالش‌های فرارو*

- حسین آقابابایی^۱
- ریحانه موسوی^۲

چکیده

در اندیشه اسلامی محدودیت‌های حقوقی و اجتماعی زنان از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود، محدودیت‌هایی است که آموزه‌های اسلامی با توجه به طبیعت و خصوصیات جنس زن، برای حضور وی در عرصه اجتماع مقرر کرده است تا ارزش و احترام زن پاس داشته شود و از گزند آسیب‌های اجتماعی مصون بماند، نه آنکه او را از عرصه اجتماع خارج سازد. این دیدگاه با کمک علم جرم‌شناسی و به ویژه جرم‌شناسی پیشگیری، برخی از این محدودیت‌ها را که بیانگر گونه‌ای تفاوت حقوقی با مرد است، به عنوان ابزار پیشگیرانه وضعی برای مصونیت زن دانسته است. از این منظر، اقدامات پیشگیرانه وضعی، در ذات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۵.

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت حوزه پژوهشی دانشگاه گیلان انجام شده است.

۱. دانشیار دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) (aghababaei@guilan.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد ادیان و عرفان (rhmoosavi@yahoo.com).

خود گونه‌ای محدودیت و حتی احتمال تعرض به حقوق بنیادین را دارد و حتی ممکن است از ابزارهای نظام کیفری برای تضمین راهبردهای خود بهره برد. در این پژوهش، ضمن بررسی دلایل و مستندات که فرضیه تحقیق را تأیید می‌کنند، به چالش‌های موجود در این حوزه نیز اشاره شده است. واژگان کلیدی: زن، محدودیت‌های زنان، حقوق زنان، بزه‌دیدگی زنان، پیشگیری، پیشگیری وضعی.

مقدمه

حقوق زن در اسلام و به خصوص تحولات حقوق زن ایرانی در دوره اسلامی، از مباحث پرجاذبه و مهمی است که از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تلاش‌هایی که امروزه در سطح ملی و بین‌المللی برای اصلاح و بهبود حقوق زنان صورت می‌گیرد، صرف نظر از نتایج آن، حاکی از پذیرش این واقعیت است که زن در طول تاریخ، حقوق و جایگاهی متفاوت از مردان داشته است و بشر متمدن امروزی خواستار اصلاح و بازنگری شرایط گذشته و نگاه احترام‌آمیز به زن و بسترسازی برای استیفای حقوق و ارتقای جایگاه اجتماعی وی می‌باشد.

همزمان با تحولات اجتماعی معاصر و با توجه به تفاوت‌های حقوقی و محدودیت‌های انکارناپذیر زن نسبت به مرد، اندیشمندان مسلمان تلاش کرده‌اند تا این تفاوت‌ها یا محدودیت‌ها را از منظر درون‌دینی بررسی نمایند و به ابهامات موجود پاسخ دهند. در این ارتباط، حداقل دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد: دیدگاهی که شاید بتوان از آن به اندیشه سنتی یاد کرد، اعتقاد دارد اسلام سبب احیای حقوق زن و رفع محدودیت و ظلم نسبت به او شده است و با توجه به عدم توجه به نقش زنان در جامعه جاهلی، آموزه‌های اسلامی برخی محدودیت‌ها را به نفع زن و در جهت تکامل او می‌داند. این دیدگاه با قبول تفاوت‌های حقوقی بین زن و مرد در مواردی مانند ارث، نکاح، طلاق، دیه و... معتقد است که این تفاوت‌ها نباید به معنای تبعیض ناروا نسبت به زن به حساب آید و آنچه در دنیای غرب به نام تساوی حقوق زن و مرد مطرح است، در جهت احترام به زن نیست، لذا مفاد «کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»^۱

1. Convention on the elimination of all forms of discrimination against women.

مورد تأیید این دیدگاه نیست. از همین رو، پیوستن مشروط ایران به این کنوانسیون، از طرف شورای نگهبان به سرانجام نرسید،^۱ هرچند بسیاری از کشورهای اسلامی هم به آن ملحق شده‌اند.^۲

از سوی دیگر، دیدگاهی وجود دارد که با اندیشه سنتی مبنی بر اینکه دستاوردهای اسلام برای بشریت و از جمله زنان بسیار ارزشمند و نجات‌بخش بوده، موافق است؛ اما معتقد است برخی آموزه‌های اسلامی که در زمان خود به دلیل مطابقت با عرف و ارزش‌های جامعه آن زمان، بسیار عادلانه، منطقی و مترقی‌تر از دیدگاه‌های رقیب به شمار می‌آمده، چه‌بسا با تغییر زمان و جابه‌جایی نقش‌ها و فهم بشر امروزی از عدالت، نیازمند بازنگری است تا در نگاه و نیاز بشر امروزی نیز، عادلانه، منطقی و مترقی‌تر از مکاتب و ایدئولوژی‌های رقیب جلوه کند. این بحث که ذیل عنوان نقش زمان و مکان در اجتهاد یا پویایی فقه در پاسخ‌گویی به مسائل امروزی مسلمانان به ویژه در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، به گفتمان پرطرفداری تبدیل شده است، بدون تعصب به برخی اوضاع و احوال یا حوادث تاریخی، در پی بیان آموزه‌های اسلامی با توجه به ملاک‌های اشاره‌شده است. بی‌تردید بحث‌های مربوط به کرامت، آزادی و احترام انسان که از آموزه‌های اصیل ادیان ابراهیمی از جمله اسلام می‌باشند و بشر امروزی نیز برخی از آنها را گاه با

۱. لایحه الحاق مشروط ایران به کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۳۸۰ به تصویب هیئت وزیران رسید. در مقدمه توجیهی این لایحه، آثار مثبت الحاق مشروط به این کنوانسیون -مانند بسیاری از کشورهای اسلامی- برقراری نقش فعال و مؤثر برای کشور در مجامع و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط، جلوگیری یا کاهش پیامدهای منفی عدم الحاق از جمله تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی و... ذکر شده است. لایحه الحاق در کمیسیون فرهنگی مجلس تصویب شد و در مرداد ۱۳۸۲ در صحن علنی مجلس نیز به تصویب رسید. شورای نگهبان در نامه‌ای به مجلس مواد کنوانسیون را مغایر اصل ۹ قانون اساسی و خلاف ضروریات دین اسلام از جمله: ارث، قصاص، دیه، طلاق، شهادت، حجاب و تعدد زوجات دانست. در نظریه شورای نگهبان تأکید شده که «موارد مغایر شرع و قانون اساسی بسیار زیاد است، به طوری که شرط عدم قبول اجرای مفاد کنوانسیون در موارد تحفظ پذیرفته نیست...».
۲. بر اساس آخرین آمار، بیش از ۱۷۹ کشور یعنی ۹۰ درصد از دولت‌های عضو سازمان ملل کنوانسیون مذکور را تصویب کرده‌اند. همچنین از مجموع ۵۶ کشور اسلامی، تا کنون ۴۲ کشور کنوانسیون را تصویب کرده‌اند؛ کشورهایی مانند مصر، اندونزی، عراق، لیبی، سوریه، اردن، افغانستان، بنگلادش، نیجریه، کویت و امارات متحده عربی (جلالی، ۱۳۸۳: ش ۱۲۳/۶۶).

صداقت و گاه به عنوان ابزاری برای پیگیری اهداف یا منافع خاص مورد توجه قرار می‌دهد، در پس زمینه این دیدگاه، جهت نواندیشی دینی و تلاش برای تبیین دینی حقوق بشر بی‌تأثیر نیستند (برای بررسی اجمالی دیدگاه‌های متفکران اسلامی در دو طیف سنتی و تجددگرا، ر.ک: قربان‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۶-۳۸).

این پژوهش در مقام تحلیل یا ترجیح این دیدگاه‌ها نیست. اساس این مطالعه مبتنی بر نقطه اشتراک این دو دیدگاه یعنی وجود تفاوت یا محدودیت برای زن در تجربه دینی است، با این اعتقاد که اسلام به عنوان یک نظام حقوقی انسان‌ساز و تعالی‌بخش، با توجه به فطرت، طبیعت، توانایی‌ها، ضعف‌ها و سایر واقعیت‌های موجود، راهکارهای مناسب کمال بشر را سامان‌دهی می‌کند. این سامان‌دهی متناسب، با برقراری یک نظم حقوقی، تابعان نظم را برخوردار می‌نماید. خصوصیت هر نظم حقوقی، محدودسازی و تعیین چارچوب برای استیفای حقوق همه تابعان نظم است. برخی محدودسازی‌ها، جنبه ارشاد و توصیه و برخی دیگر جنبه الزام و اجبار دارد؛ برخی کنشی و بازدارنده و برخی واکنشی و سزادهنده است. مجموعه آموزه‌های ادیان از جمله اسلام، تربیت انسان با تکیه بر فطرت حق طلب و عدالت‌پسند اوست و آموزه‌های مبتنی بر تبیین و آموزش و پیشگیری، بر اقدامات مبتنی بر تحمیل، اجبار و سرکوب مقدم است.

بنابراین می‌توان گفت که تربیت، آموزش و پیشگیری از انحطاط فرد و جامعه، در آموزه‌های ادیان نقش برجسته‌ای دارند و دانش جرم‌شناسی که در دو‌یست سال گذشته ترویج‌کننده این تعلیمات است، تا اندازه زیادی مدیون آموزه‌های دینی است. در دانش جرم‌شناسی^۱ به ویژه جرم‌شناسی پیشگیری^۲ که به اقدامات کنشی برای پیشگیری از بزهکاری توجه می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۴۱)، دو دسته از اقدامات انجام می‌شود: یک دسته، اقدامات آموزشی و تربیتی هستند که از طریق تأثیرگذاری بر افراد، به سالم‌سازی محیط و پیشگیری از جرم کمک می‌کنند و دسته دیگر از طریق مصون‌سازی هدفهای در معرض تهدید یا افزایش هزینه ارتکاب جرم نسبت به آنها و یا

1. Criminology.
2. Preventive Criminology.

جاذبه‌زدایی از آنها، از وقوع جرم جلوگیری کرده یا دست کم میزان آن را کاهش می‌دهند. اقدامات دسته نخست «پیشگیری اجتماعی»^۱ و اقدامات گروه دوم «پیشگیری وضعی»^۲ نامیده می‌شوند (McLaughlin & Muncie, 2001: 63; Gilling, 2005: 4).

هرچند درباره علل بزه‌دیدگی زنان و راهکارهای پیشگیری از آن یا سیاست کیفری افتراقی برای بازدارندگی کیفری از بزه‌دیدگی زنان تحقیقات متعددی انجام شده، در زمینه موضوع تحقیق یعنی پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان از منظر آموزه‌های اسلامی تحقیق مستقلی انجام نشده و تنها تلاش گردیده تا سخنان برخی اندیشمندان اسلامی درباره حقوق زنان تحلیل شود.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا محدودیت‌های مربوط به حقوق زنان از منظر پیشگیری از بزه‌دیدگی آنها، از مسائلی هستند که به تبع شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه تحول و تغییر می‌یابند؟

فرضیه تحقیق این است که با توجه به طبیعت و خصوصیات جسمی زن و شرایط اجتماعی زمان شارع، برخی محدودیت‌ها برای پیشگیری از بزه‌دیدگی زن و حمایت از شخصیت و کرامت او برقرار شده‌اند که تلاش شده تا با مراجعه به قرآن کریم، روایات و منابع تفسیری و فقهی، این فرضیه به صورت توصیفی تحلیلی بررسی شود. این پژوهش برخی آموزه‌های مربوط به حضور اجتماعی زن و به طور خاص خروج از منزل، ارتباط کلامی و پوشش را بررسی کرده و ضمن تحلیل دلایل و مستندات، به سؤالات و اشکالاتی که آن را با چالش مواجه می‌کنند اشاره کرده است. طرح این موضوع در آموزه‌های اسلامی به این معنا نیست که آن منابع لزوماً به پیشگیری از بزه‌دیدگی در مفهوم رایج امروزی اشاره دارند یا تنها مصلحت یا حکمت وجود محدودیت‌ها و تفاوت‌های حقوقی زن و مرد، پیشگیری از بزه‌دیدگی است، بلکه هدف، رد دیدگاه‌های جزمی در این باره و گشودن راه جدیدی برای توجیه برخی محدودیت‌ها در حوزه حقوق زنان با توجه به عنصر زمان و مکان است.

1. Social crime prevention.
2. Situational crime prevention.

گفتار نخست: خروج زن از منزل با اجازه همسر

یکی از مباحث مطرح در تفاوت حقوق زن و مرد، محدود کردن زندگی زن به محیط منزل و لزوم اجازه گرفتن وی از همسر برای خروج از منزل است. این موضوع دایره وسیعی از محدودیت‌ها را شامل می‌گردد و هرگونه فعالیت مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زن (غیر از تکالیف واجب شرعی) باید با هماهنگی همسرش باشد.^۱ شاید تصور شود که اسلام می‌خواهد زن به عنوان جنس پست‌تر از مرد و موجودی که باید در خدمت خواسته‌های او باشد، در منزل به فراهم نمودن آسایش مرد و تربیت فرزند بپردازد. اما آموزه‌های دیگری نیز داریم که بر اساس آنها زن برای خدمت به مرد هیچ وظیفه‌ای ندارد. بنابراین از یک سو، زن نباید بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود و از سوی دیگر، به غیر از وظایف خاص زناشویی، به هیچ کاری ملزم نشده است و حتی برای شیردهی و انجام امور منزل، می‌تواند درخواست دستمزد کرده یا تقاضا کند که فردی به عنوان خادم، امور منزل را انجام دهد (موسوی خمینی، ۱۴۱۶: ۲۷۸/۲ و ۲۸۲).

صرف نظر از بحث‌های رجالی و حدیث‌شناسی که درباره مضمون یا سند این روایات وجود دارد و سیره عملی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا برخی خلفا مضمون ظاهری آنها را تأیید نمی‌کند (مهربزی، ۱۳۸۶: ۲۶۵) و با اذعان به این موضوع که محدود کردن زن به محیط منزل یا منوط شدن خروج وی به اجازه همسر، زن را با محدودیت‌های ناشناخته و بدون معیار مواجه می‌کند؛ زیرا به تعداد مردان، دلیل برای عدم اجازه خروج از منزل در یک مورد خاص قابل تصور خواهد بود، ولی می‌توان با عنایت به مباحث مختلف درباره لزوم هماهنگی بین زن و مرد برای فعالیت در خارج از منزل و اینکه شخصیت زن مورد تکریم و احترام است و مرد حق ندارد به همسر یا دخترش به عنوان خدمتکار بنگرد، چنین استفاده کرد که آموزه‌های دینی در این

۱. جاءت امرأة إلى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقالت: يا رسول الله! ما حق الزوج على المرأة فقال لها: أن تطيعه ولا تعصيه ولا تصدق من بيته إلا بإذنه ولا تصوم تطوعاً إلا بإذنه ولا تمنعه نفسها وإن كانت على ظهر قتب ولا تخرج من بيتها بغير إذنه وإن خرجت من بيتها بغير إذنه لعتتها ملائكة السماء وملائكة الأرض وملائكة الغضب وملائكة الرحمة حتى ترجع إلى بيتها (كليني، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۳۸/۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۸/۲۰).

زمینه به دنبال حمایت از زن جهت پیشگیری از خطرات بالقوه بوده است. اقدامات پیشگیرانه و حمایتی در زمینه خروج از منزل و سفر زنان، نه فقط در زندگی روزمره، بلکه در انجام برخی عبادت‌هایی هم که مستلزم سفر است، مورد توجه است. یکی از واجباتی که در قرآن کریم بدون تفاوت میان زن و مرد برای افراد توانا و مستطیع مقرر شده است، فریضة حج است (ر.ک: آل عمران / ۹۷). در عین حال، نگرانی‌هایی برای حضور زن در انجام این فریضة وجود داشته است. در پاسخ به این نگرانی‌ها، برخی از مذاهب اهل سنت، امکان حضور فردی محرم با زن را شرط وجوب ادای فریضة حج بر زن دانسته‌اند (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۹۷/۳؛ کاسانی، ۱۹۸۲: ۱۲۳/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۳۳/۲). پیروان مذهب حنفی با تصریح به اینکه آیه مربوط به حج، تفاوتی میان مرد و زن نگذاشته، با استناد به احادیثی از پیامبر ﷺ و مطرح نمودن عدم امنیت زن در سفر حج بدون همسر یا محرم، انجام آن را بدون وجود محرم واجب نمی‌دانند (کاسانی، ۱۹۸۲: ۱۲۴/۲). شافعیه، وجود یکی از سه مورد زوج، محرم یا اجتماع گروهی از زنان را که خطر را از آنها رفع کند، کافی دانسته‌اند (نووی، ۱۴۰۵: ۱۰/۳). از منظر فقهای شیعه، هر چند وجود محرم، شرط وجوب یا شرط ادای حج نیست، ولی اولاً در صورت وجود آنها، شایسته نیست که به تنهایی سفر کنند (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۰۴/۱) و ثانیاً وجود افرادی مورد اعتماد که با حضور آنها به امنیت زن اطمینان حاصل شود، ضروری دانسته شده است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۳۱/۱۷؛ یزدی، ۱۴۰۹: ۴۶۷/۲). همچنین به نظر شیعه و اهل سنت، برای انجام حج مستحبی باید فرد محرمی همراه زن باشد. در مجموع می‌توان گفت که با توجه به نوع وسایل مورد استفاده برای مسافرت و زمان طولانی سفر حج در دوران گذشته و با توجه به مشکلاتی که به طور بالقوه برای زنان در کاروان‌های زیارتی وجود داشته و به ویژه با توجه به عدم وجود حاکمیت سرزمینی قابل اعتماد برای تأمین امنیت حجاج کشورهای مختلف، احساس ناامنی و ترس از بزه‌دیدگی، هم در بین خود زنان و هم بستگان ایشان وجود داشته و ترتیبات پیش‌بینی شده در شریعت، در واقع پاسخی به این نگرانی‌ها بوده است. از منظر بحث ما، این ترتیبات که موجب محدودیت‌هایی برای سفر زنان و انجام مناسک حج شده است، نوعی اقدام پیشگیرانه برای حمایت از این هدف در معرض خطر است. در یک جامعه

ابتدایی که نهادهای سیاسی و مدنی و حاکمیت نظم و امنیت شکل نگرفته است و زندگی به صورت قبیله‌ای است، طبیعی است که خروج زن با هماهنگی قبلی با همسر و یا با همراهی وی، موجب آمادگی بیشتر برای مقابله با خطرات احتمالی خواهد شد. در چنین جامعه بدوی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زنی که همسرش در سفر است و با او قرار گذاشته که از منزل خارج نشود، توصیه می‌فرماید که حتی برای عیادت پدر بیمارش یا شرکت در مراسم خاکسپاری او از منزل خارج نشود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۴/۲۰).

از این منظر، می‌توان گفت که دیدگاه اسلامی این نیست که زن را در خانه محصور کند؛ بلکه تلاش بر این است که خروج زن از منزل با خطر و تهدید کمتری مواجه باشد. با این نگاه، می‌توان گفت که این ترتیبات پیشگیرانه، یکی از موارد پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی است، ولی منحصر در آن نیست و جامعه نیز وظیفه دارد تا محیط اجتماعی را برای حضور همه افراد آماده و ایمن سازد. بنابراین در جامعه‌ای که به دلیل رشد اخلاق و فضایل انسانی و وجود ابزارهای پیشگیرانه وضعی و اجتماعی و اتخاذ سیاست کیفری ترجیحی و خاص^۱ نسبت به افراد یا گروه‌های در معرض خطر مانند کودکان و زنان، آسیب‌پذیری ایشان کاهش یابد و خطری آنها را تهدید نکند، دلواپسی مرد برای خروج کودک، همسر یا دخترش از منزل کمتر خواهد شد.

از منظری دیگر، می‌توان اقدامات وضعی پیش‌بینی‌شده را با موضوع ترس از جرم^۲ در بین زنان مرتبط دانست. استانکو^۳ معتقد است که به طور ثابت، ترس از جرم یا بزه‌دیدگی در بین زنان سه برابر مردان است. دلایل این امر عبارتند از:

- زنان توان جسمانی کمتری در دفاع از خود دارند؛
- زنان گرایش فراوانی به یادآوری تجارب اولیه زندگی و تسری ترسشان به سایر موقعیت‌های زندگی دارند؛

۱. به عنوان مثال ماده ۶۱۹ ق.م.ا. درباره افرادی که به دلیل سن یا جنس در معرض بزه‌دیدگی بیشتری هستند، از سیاست کیفری افتراقی خاص پیروی نموده است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون به آنها توهین نماید، به حبس از دو ماه تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

2. Fear of crime.
3. Stanko.

- نگهداری و حفاظت از کودکان، زنان را بیشتر مستعد ترس از جرم می‌سازد؛
 - زنان کنترل کمتری بر حیطه خصوصی خود دارند، از این رو بیشتر می‌ترسند؛
 - نسبت به سایر انواع آسیب‌ها بیشتر در معرض تعرض جنسی هستند، از این رو واکنشی واقع‌گرایانه به خطرات نشان می‌دهند.

- همواره با ترس از دنیای بیرون، جامعه‌پذیر می‌شوند (Stanko, 1992: 4/127).

نتایج مطالعات متعدد نشان می‌دهد که زنان و افراد مسن آسیب‌پذیر، ترس از جرم بیشتری را نشان می‌دهند (احمدی، سروش و افراسیابی، ۱۳۸۸: ش ۶۷/۳۴). بر اساس مطالعه‌ای در شهر تهران، حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نسبت به تهدید جرایم دچار ترس و واکنش‌اند. به بیان دیگر، در حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند (علیخواه و نجیبی ربیعی: ۱۳۸۵: ۱۲۵). علاوه بر این، یکی از عوامل تأثیرگذار در میزان ترس از جرم، ویژگی‌های جمعیت‌شناسی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در ایران دختران و زنان جوان بیش از زنان سالمند، ترس از جرم و تعرض جنسی داشته‌اند (همان: ۱۲۶). در عین حال، ترس بیشتر از جرم و بزه‌دیدگی الزاماً به این معنا نیست که زنان بیش از مردان، بزه‌دیده واقعی جرایم هستند؛ به عنوان نمونه، طبق گزارش وزارت کشور انگلستان تحقیقات بزه‌دیدگی در این کشور در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که هرچند بزه‌دیدگی زنان در خصوص خشونت خانگی بیشتر از مردان است، وقوع جرایم خشن و تعرض از سوی افراد ناشناس نسبت به مردان بیشتر است. با این وجود، ترس از بزه‌دیدگی در میان مردان کمتر از زنان است (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ش ۲۹۴/۵۰).

چالشی که ممکن است به عنوان فرضیه رقیب مطرح شود این است که از مضمون برخی روایات استفاده می‌گردد که منوط شدن خروج همسر به اذن زوج، بیشتر در راستای اهتمام و احترام به حقوق زوج است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۲/۱۴). هرچند مجال بررسی مضمون و محتوای دقیق این روایات نیست، باید گفت که موضوع بحث ما به یکی از حکمت‌های مطرح در این زمینه اشاره می‌کند و در مقام نفی مصالح یا حکمت‌های دیگر نیست. ضمن اینکه حقوق زوج به طور خاص در مورد زنان دارای همسر قابل طرح است، آن هم زمانی که زوج در منزل حضور

دارد و بحث اشتغال زن و خروج از منزل ارتباط نزدیکی با حقوق زوج پیدا می‌کند. اما دربارهٔ دختران جوان یا زنان بی‌همسر یا در شرایطی که بیشتر مردان ساعات طولانی روز را در محیط خارج از منزل به کار اشتغال دارند، خروج همسر از منزل، منافاتی با حقوق خاص زوج نخواهد داشت.^۱ پس رعایت حقوق خانواده یا زوج تنها حکمت یا مصلحت توجیه‌کنندهٔ محدودیت نیست و علاوه بر آن پیشگیری از بزه‌دیدگی زن به دلیل خصوصیات جسمی نیز قابل طرح است.

در کنار اقدامات وضعی محدودکننده و پیشگیرانه برای گروه‌های آسیب‌پذیر، از این نکته هم نباید غفلت کرد که مصونیت‌بخشی و کاهش احساس ناامنی و ترس از جرم، راهکارهای متعدد و متنوعی دارد. بر اساس مطالعات انجام‌شده و تجارب جهانی می‌توان گفت که پویا و فعال بودن فضا، میزان آشنایی، خوانایی و نظارت بر فضا و امکان دسترسی به امداد، از شاخص‌های اصلی مؤثر در برنامه‌ریزی کالبدی برای ارتقای امنیت زنان در فضاهای شهری هستند (ضابطیان، بمانیان و رفیعیان، ۱۳۸۹: ۱۴۵/۴۸).

گفتار دوم: ارتباط کلامی زنان در محیط‌های عمومی

یکی دیگر از بحث‌هایی که فقها به آن توجه کرده‌اند، چگونگی ارتباط کلامی زنان و مردان در جامعه است که در قالب دو موضوع بحث شده است: یکی شنیدن صوت و صدای زن در شیوهٔ قرائت نماز یا قرآن و... که مشهور بین فقها لزوم پوشاندن صوت زن مانند بدن اوست، پس در نماز هم باید به جای آشکار خواندن (جهر) به صورت آهسته (اخفات) بخواند. با این وجود، بیشتر کسانی که در این مورد بحث کرده‌اند، معتقدند دلیلی نداریم بر اینکه صدای زن هم مانند بدن او باید پوشیده باشد و جملهٔ مشهور «صوت المرأة عورة» قابل استناد به عنوان روایت نیست (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۴۲/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۵۷/۲؛ نراقی، ۱۳۸۰: ۲۲۷/۱).

در همین رابطه، آیهٔ شریفه **﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...﴾** (نور/ ۳۱) - که از کوبیدن پا به زمین برای نشان دادن صدای اشیای زینتی که زنان عرب استفاده

۱. به همین دلیل، در برخی از نظریه‌های فقهی به این موضوع توجه شده که اگر بیرون رفتن زن، با حق استمتاع منافی باشد، نمی‌تواند بدون اجازهٔ شوهر از خانه بیرون رود (خویی، ۱۴۱۰: ۲۸۹/۲).

می‌کردند (مانند خلخال) منع کرده، آموزنده است. با توجه به منع تظاهر به داشتن خلخال و اشیای قیمتی، یکی از علما این‌گونه جمع‌بندی نموده که بلند کردن صدا زیورآلات همراه زن، چه بسا تحریک‌کننده مردان و دارای مفسده باشد، لذا هر جا که این مفسده هست، آن نهی هم هست (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۲۸۸/۳).

بحث مهم دیگر در این زمینه، جواز یا عدم جواز صحبت کردن زنان با مردان نامحرم است که با وجود احکامی همچون عدم جواز تکلم با زنان یا اکتفا به قدر ضرورت و به تعداد پنج کلمه در برخی متون فقهی و روایی^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۷/۲۰)، نظرات فقهی گسترده‌ای نیز بر عدم قبول این محدودیت به ویژه در میان فقه‌های متأخر مطرح شده است. بهترین مستند هم رویه عملی و سنت جاری در میان مسلمانان از جمله رفتار همسران پیامبر اسلام ﷺ است که برخی از راویان حدیث و اخبار بوده‌اند یا خطبه مشهور حضرت فاطمه علیها السلام درباره فداک (نجفی، ۱۹۸۱: ۹۹/۲۹).

در عین حال، با توجه به متون قرآنی و روایی، نکته مورد توجه فقیهان به عنوان مبنای محدودیت ارتباط کلامی مردان و زنان، پیشگیری از فتنه یا مشکلاتی است که ممکن است در اثر لطیف سخن گفتن زن و گوش دادن همراه با لذت مرد ایجاد شود و تردیدی نیست که این امر با توجه به شرایط جسمانی زن، ترس از بزهدیدگی را برای او دامن می‌زند. قرآن کریم، هنگامی که زنان پیامبر را از سخن گفتن با نرمی و خشوع منع می‌کند، بلافاصله علت را پیشگیری از طمع و هوس کسانی می‌داند که قلب و روان بیماری دارند (ر.ک: احزاب/ ۳۲) و شاید این لطیف‌ترین بیان قرآن برای احترام به کرامت و ارزش زن باشد. فرقی نمی‌کند که زن، همسر پیامبر باشد یا نه؛ به هر حال ممکن است نوع صحبت کردن زن که ویژگی زنانه دارد، زمینه بزهدیدگی او را فراهم کند و آنچه در قرآن از آن نهی شده، همین موضوع است، نه اصل صحبت کردن.^۲ برای عمل به این دستور هم نیازی نیست که زن موقع صحبت کردن با نامحرم دست در دهان بگذارد یا به گونه‌ای خشن صحبت کند

۱. ونهی النبي أن تتكلم المرأة عند غير زوجها وغير ذي محرم منها أكثر من خمس كلمات مما لا بد لها منه.
 ۲. یکی از مفسران ذیل آیه ۳۲ سوره احزاب که زنان پیامبر را از نازک کردن صدا منع کرده است می‌گوید: به خصوص مانند عایشه که جوان و خوش‌سیما بود (طیب، ۱۳۷۸: ۴۹۹/۱۰).

(کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۲/۷)، بلکه به اعتقاد برخی از فقها، اتفاقاً محتوای این آیه دلیلی بر جواز صحبت کردن زن با مرد است (نجفی، ۱۹۸۱: ۹۹/۲۹؛ سیفی، بی‌تا: ۱۶۳/۶) و عبارت پایانی آیه «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» به معنای صحیح، بدون شائبه و ریه صحبت کردن (نجفی، ۱۹۸۲: ۵۵۸/۸) و امتناع از اقدامی است که ممکن است موجب آفت و آسیب شود.

در همین زمینه، آنچه درباره سلام کردن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به زنان روایت شده، شنیدنی است که آن حضرت به زنان سلام می‌کرد، ولی از سلام به دختران جوان خودداری می‌فرمود که مبدا خطر این کار از اجر حاصل از سلام بیشتر باشد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۴۸/۲). این روایت هم دلیل مناسبی است که از نظر حضرت، صحبت با زن ممنوع و محدود نشده و اگر محدودیتی هم هست، بیشتر برای سالم‌سازی محیط و دفع خطرات بالقوه نسبت به زنان بوده است. در نتیجه رعایت احتیاط در گفتگوی زن و مرد با یکدیگر، تا حدی مورد توجه آموزه‌های دینی است که از آسیب‌های اجتماعی به زن پیشگیری نماید و البته همان گونه که قبلاً اشاره شد، با تربیت و ارتقای فرهنگ اجتماعی، می‌توان ارتباطات را به گونه‌ای سامان داد که این پیشگیری‌ها به حذف یک عنصر فعال از صحنه اجتماع منجر نشود؛ زیرا هنر یک ساختار اجتماعی مطلوب این است که بدون پاک کردن صورت مسئله، بتواند پاسخ مناسب و منطقی به آن بدهد. به تعبیر دیگر، حمایت از گروه‌های در معرض آسیب از طریق جداسازی یا خنثی‌سازی آنها، الزاماً راهکاری دائمی و منحصر برای پیشگیری از بزه‌دیدگی نیست و ابزارهای دیگری هم می‌تواند برای تأمین این هدف مفید واقع شود.

گفتار سوم: رعایت پوشش در محیط‌های عمومی

بی‌تردید انسان با لباس و پوشش آراسته‌تر است و کسی به زیبایی فرهنگی معتقد نیست، اما مشخص کردن نوع و کیفیت پوشش زنان که امری خصوصی و وابسته به سلیقه هر کس است، و به ویژه جرم‌انگاری برای عدم رعایت آن

۱. کان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النِّسَاءِ وَبَرَدُّنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَكَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النِّسَاءِ وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَسَلَّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَيَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجَبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أُطْلَبُ مِنَ الْأَجْرِ.

پوشش و حجاب^۱ خاص، بحث‌های دامنه‌داری را سبب شده که این مجال در مقام بررسی فلسفه و کیفیت پوشش، بررسی دلایل موافقان یا مخالفان جرم‌انگاری بی‌حجابی یا مصداق‌های پوشش شرعی نیست. آنچه به اقتضای بحث به آن اشاره می‌شود این است که اگر به موضوع پوشش به همان صورتی که در آموزه‌های دینی مطرح شده است، با رویکرد پیشگیری وضعی از آسیب‌های اجتماعی بنگریم، می‌توانیم ادعا کنیم که یکی از دلایل آن کارکرد پیشگیرانه برای حمایت از زن در مقابل بزه‌دیدگی بوده است، هرچند این عامل مصونیت‌بخش، محدودیت‌هایی را هم برای زن به همراه داشته است، به ویژه اینکه برخی با برداشت‌های افراطی از پوشش تصور کرده‌اند که چون در اسلام به زن دستور پوشش داده شده، پس او باید به محیط خانه محدود شود. نگارندگان معتقدند که اتفاقاً حجاب، بستر و زمینه‌ساز حضور زن در جامعه است و گرنه اگر قرار بود در خانه باشد، نیازی به این دستورات اکید برای آداب، شیوه پوشش و حضور در جامعه نبود (ر.ک: نور/ ۳۱).

آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/ ۵۹) یکی از آیاتی است که به بیان همه مفسران به ضرورت پوشش برای زنان مسلمان اشاره دارد. دستور به پوشش خاص (جلباب)^۲

۱. واژه حجاب در لغت و تعبیرهای فقها به مفهوم پوشش نیست. حجاب در لغت به معنای حایل میان دو چیز است. در قرآن نیز این کلمه همه جا به معنای پرده یا حایل به کار رفته است، مانند «...جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» (اسراء/ ۴۵) یا «حَتَّى تَوَارِثَ بِحُجَابٍ» (ص/ ۳۲) و تعبیر به «وراء» (از پشت پرده) خود گواه این معناست. در کلمات فقها در مورد پوشش زنان کلمه «ستر» به کار رفته و در روایات نیز از همین تعبیر استفاده می‌شود. در آیه «وَإِذَا سَأَلْتَهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ» (احزاب/ ۵۲) که به شیوه ارتباط افراد با زنان پیامبر و طرح درخواست‌ها از ایشان اشاره دارد، دستور داده شده که طرح این درخواست‌ها از پشت پرده باشد. با در نظر گرفتن سبب نزول آیه معلوم می‌گردد که این حکم به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اختصاص داشته و احترام خانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقتضا می‌کرده که از پشت پرده با مردان ارتباط داشته باشند و از آن یک دستور عمومی برای همه زنان مسلمان فهمیده نمی‌شود همچنان که فقها و مفسران نیز چنین استنباطی از آیه نداشته‌اند (مدرسی، بی تا: ۲۷۳، به نقل از: فهرستی، ۱۳۸۴: ش ۱۸۶/۳).
۲. برای معنای جلباب سه مصداق ذکر شده است: ۱. چادر و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند؛ ۲. مقنعه و روسری (خمار)؛ ۳. پیراهن گشاد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۲۸/۱۷). لسان العرب، بر همان معنای اول یعنی پوششی که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوچک‌تر است تکیه کرده است. شاید بتوان این نوع پوشش را در میان مسلمانان کشورهای شرق آسیا مانند مالزی، بنگلادش و هند مشاهده کرد.

در این آیه، برای ایجاد امنیت خاطر و پیشگیری از اذیت و مزاحمت برای زنان پیامبر و سایر زنان مسلمان است. با مراجعه به حدود ۳۰ تفسیر قرآن کریم، به دست می‌آید که دستور پوشش، برای تمایز زنان مسلمان و آزاد از کنیزان و به منظور پیشگیری از اذیت و مزاحمت زنان مسلمان در مواقع خروج از منزل توسط اوباش و مزاحمان بوده است. یکی از مفسران با اشاره به مفاد آیه قبل درباره آزار و اذیت مؤمنان (ر.ک: احزاب/ ۵۸)، معتقد است که در این آیه به عنوان اقدام پیشگیرانه و برای قرار نگرفتن مؤمنان به ویژه زنان در معرض اذیت و آزار دستور پوشش داده شده است (رازی، ۲۰۰۰: ۱۹۸/۲۵). در شأن نزول این آیه گفته شده که چون زنان مسلمان (از جمله همسران پیامبر ﷺ) برای اقامه نماز و عبادت به خارج از خانه می‌رفتند، برخی اوباش در مسیر برای آنها مزاحمت ایجاد می‌کردند (قمی، ۱۳۶۷: ۶۴۹/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۴/۱۶؛ محقق، ۱۳۶۱: ۶۴۹/۱).

با توجه به وجود رسم برده‌داری و وجود کنیزانی که پوشش مناسبی نداشته، مورد رغبت جنسی نبودند و بیشتر برای کار و خدمت از آنها استفاده می‌شد، وقتی زن مسلمانی مورد مزاحمت یا تعرض قرار می‌گرفت، فرد مزاحم یا متجاوز بهانه می‌کرد که به تصور اینکه کنیز است، متعرض شده است (طبرسی، ۱۴۰۶: ۵۸۰/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۹/۱۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۰۷/۲۲). طبق روایات و حکایات ذکر شده، نزول این آیه برای تشخیص زنان مسلمانان و آزاده از غیر ایشان بود و حتی در نقلی، خلیفه دوم یک زن غیر آزاد (کنیز) را به این جهت که از نظر حجاب خود را شبیه زنان مسلمان کرده بود، مورد عتاب قرار داد (رازی، ۱۴۰۸: ۲۱/۱۶؛ سیوطی، ۱۹۹۳: ۶۶۰/۶). برخی از نویسندگان، این دیدگاه مشهور بین مفسران را با این تالی فاسد همراه دیده‌اند که مزاحمت و اذیت افراد لایابالی نسبت به زنان برده یا غیر مسلمان ایرادی ندارد. بنابراین در تفسیر آیه اشاره کرده‌اند که منظور از جمله «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» که پوشش را عامل تشخیص و عدم اذیت و مزاحمت می‌داند، این است که زنان باوقار و پوشیده، به افراد مزاحم پیام می‌دهند که حریم آنها باید رعایت شود و کسی نباید به حریم ایشان نزدیک نشود (رازی، ۲۰۰۰: ۱۹۸/۲۵؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۴۲۷/۱۷؛ مطهری، ۱۳۶۸: ۱۷۸). بنابراین زنانی که با این پوشش در جامعه حاضر می‌شوند، احترام

بیشتری دارند و افراد مزاحم، جسارت اذیت و آزار آنها را به خود نمی‌دهند.

بدین ترتیب می‌توان گفت که ترتیبات مطرح‌شده در این آیه، پاسخی به احساس امنیت زنان و ترس از بزه‌دیدگی و به تعبیر جرم‌شناسی، اقدام پیشگیرانه وضعی و حفاظت از هدف در معرض تهدید و خطر می‌باشد.

یکی دیگر از آیات قرآن کریم که به این برداشت کمک می‌کند آیه ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ (نور/ ۲۴) است که عدم ضرورت حجاب در مورد زنان سالخورده را مطرح نموده است. تأکید قرآن بر حجاب و پوشش زنان جوان و عدم تأکید در مورد زنان مسن می‌تواند این پیام را داشته باشد که خطر و تهدیدی که در مورد زنان جوان از جهت مزاحمان و... وجود دارد، نسبت به زنان مسن وجود ندارد و لذا اسلام به پوشش خاصی برای زنان مسن اصرار ندارد.

شهید مطهری هر چند معتقد است که فلسفه حجاب در اسلام منحصر به مسئله احساس ناامنی نیست، بحث امنیت و احساس ناامنی را به عنوان یک عامل که در آیه ۵۹ سوره احزاب به آن اشاره شده، تأیید می‌کند (۱۳۶۸: ۴۵).

بنابراین، دستور به پوشش و وقار زن در جامعه، یک اقدام پیشگیرانه وضعی است که مانع سایر اقدام‌های پیشگیرانه همچون حضور پلیس یا استفاده از ابزارهای دیگر برای محافظت از آنان نیست و ابزارهای کیفری هم در شرایط مقتضی برای سالم‌سازی جامعه و دفع افراد مزاحم قابل استفاده است.

در مجموع به نظر می‌رسد استفاده زن از پوشش مناسب در جامعه برای برطرف کردن احساس ناامنی و خطر، به دین و آیین خاصی اختصاص ندارد. برای نمونه، زنان ایرانی قبل از ورود اسلام به ایران پوشش مناسبی داشتند و برخی مسائل تلخ تاریخی و احساس ناامنی نسبت به زنان، ایرانیان را مجبور کرده بود تا زنان و دختران خود را مخفی کنند (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۶). بر همین اساس برخی حجاب را بیش از اینکه اسلامی بدانند، ایرانی دانسته‌اند (دورانت، ۱۳۷۰: ۵۵۲/۱).

در عین حال، یکی از چالش‌های فراروی فرضیه این تحقیق درباره پوشش زنان آن است که آیا می‌توان به منظور پیشگیری از جرم، آزادی افراد را محدود کرد و آیا اقدامات کنشی و پیشگیرانه می‌توانند محدودیت‌زا باشند؟ فراتر از این، آیا

می‌توان برخی اقدامات کنشی و پیشگیرانه را وارد حوزه حقوق کیفری کرد و به عدم رعایت آنها پاسخ کیفری داد؟ امری که در نظام حقوقی ایران عملی شده است.^۱ به بیان دیگر، این سؤال مطرح می‌شود که اگر از منظر آموزه‌های اسلامی رعایت پوشش برای زنان - به ویژه زنان جوان - به عنوان یک اقدام پیشگیرانه وضعی و برای حمایت ویژه و افتراقی از این هدف در معرض تهدید است، آیا الزام دولتی، تعیین کیفر حبس و جزای نقدی برای آن موجه است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که نظام پیشگیری همانند نظام سرکوب محدودیت‌زاست و ممکن است با آزادیها و حقوق بنیادین افراد در تعارض باشد و به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خود، حتی شدیدتر از نظام سرکوب به نفی آزادی‌ها منجر شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). بر این اساس، سیاست پیشگیری از جرم، می‌تواند نسبت به بزه‌کاران و بزه‌دیدگان اقدامات بازدارنده خود را اعمال کند. این امر می‌تواند به منظور تقویت احساس مسئولیت در پیشبرد اهداف پیشگیرانه مورد نظر قانون‌گذار باشد. در این صورت، موضوع همانند جریمه شدن یک راننده به علت نبستن کمربند ایمنی یا همراه نداشتن زنجیر چرخ در جاده یخبندان است. در این موارد پلیس برای جلوگیری از خطرات احتمالی نسبت به سرنشینان و هزینه‌ها و گرفتاری‌هایی که برای جامعه در صورت عدم رعایت مقررات ایجاد می‌شود اقدام به ثبت تخلف به عنوان یک اقدام پیشگیرانه و بازدارنده و حتی ممنوع کردن تردد در جاده می‌نماید. البته بی‌تردید جرم‌انگاری با هدف پیشگیری باید در چارچوب اصول و مبانی جرم‌انگاری بررسی و تحلیل شود و پس از بررسی منافع و آسیبها عملی شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بحث‌هایی که در زمینه میزان تأثیر آموزه‌های دینی در محدودیت‌های زنان در حوزه‌های مختلف وجود دارد، بررسی‌های این تحقیق، نشان می‌دهد که با توجه به شرایط نامناسب اجتماعی در جامعه عرب جاهلی، به ویژه شرایط ناگوار زنان، تعالیم و

۱. تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

آموزه‌های اسلام و به ویژه سیره عملی پیامبر ﷺ و رفتار احترام‌آمیز ایشان با همسران و تنها دختر خود، بسیاری از رسم‌های غلط را که به نادیده گرفته شدن نقش اجتماعی زن منجر می‌شد، باطل و منسوخ نمود. با وجود این، تردیدی نیست که در احکام اسلامی تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد؛ از جمله تفاوت‌های حقوقی که در مسائل مربوط به ارث، وصیت، شهادت، طلاق و... موجود است. در کنار آنها، برخی تفاوت‌ها در دین‌داری یا به تعبیر دیگر در انجام اعمال دینی یا تصدی مناصب دینی وجود دارد که در بیشتر موارد برای زن محدودیت‌زا هستند. همچنین، حضور اجتماعی زن از خروج از منزل گرفته تا صحبت و گفتگو با مردان غریبه یا نحوه پوشش در جامعه نیز با محدودیت‌هایی همراه است. در بادی امر تصور می‌شود که نگاه اسلام به زن، نگاهی تبعیض‌آمیز و به گونه‌ای به حساب نیاوردن او و وابستگی تام به اراده و اختیار مرد بوده است. این پژوهش با نفی این دیدگاه و با توجه به اینکه آموزه‌های اسلامی، اموری عادلانه، منطقی و مترقی می‌باشند، معتقد است که این ویژگی‌ها باید همواره برای پیروان دین قابل درک باشد و این مهم با توجه به بحث ثابت و متغیر در دین و نقش زمان و مکان در اجتهاد قابل وصول است. با این رویکرد، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که احکام سخت‌گیرانه‌ای که برای خروج از منزل یا ارتباط کلامی با نامحرم یا کیفیت پوشش مطرح شده‌اند، جزء امور ثابت و تغییرناپذیر نیستند و بررسی منابع دست اول اسلامی نشان می‌دهد که برخی تشریفات اشاره‌شده، برای زمینه‌سازی حضور زنان در جامعه بوده است. اگر شیوه پوشش مناسب برای زنان پیامبر یا مؤمنان توضیح داده شده است، برای امکان حضور بدون آسیب در جامعه بوده است. از منظر این تحقیق، محدودیت‌های اشاره‌شده، با توجه به آداب، رسوم و ارزش‌هایی که مورد قبول جامعه بوده یا شریعت در پی نهادینه کردن آنها بوده است، با توجه به طبیعت زن و شرایط اجتماعی حاکم، برای پیشگیری از آسیب به زن و حمایت از وی مقرر شده است. به عبارت دیگر، با توجه به بحث‌های مطرح در علم جرم‌شناسی و سیاست جنایی، شریعت اسلامی با اتخاذ سیاستی افتراقی و ویژه در مورد زن، معتقد به وجود سازوکارهایی در حوزه عمومی است تا در مواردی که زن برای انجام نیازهای شخصی یا ایفای نقش اجتماعی در جامعه حاضر می‌شود، از طریق اقدامات پیشگیرانه وضعی از

او حمایت می‌کند. اقدامات پیشگیرانه وضعی برای کاهش احتمال بزه‌دیدگی، همواره با این آسیب مواجهند که ممکن است سبب بروز برخی محدودیت‌ها برای هدف مورد حمایت شوند؛ ولی باید توجه کرد که این اقدامات، تنها راه مبارزه با انحراف و بزهکاری نیستند، ضمن اینکه همواره هم مؤثر نخواهند بود. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد محدودیت‌های اشاره‌شده در این پژوهش برای ایفای نقش اجتماعی زنان با کاهش آسیب‌های احتمالی همراه است و جامعه نیز وظایف زیر را بر عهده دارد:

۱. با تربیت، آموزش و نهادینه کردن اخلاق و فضیلت انسانی و احترام به هم‌نوع، از وقوع ناهنجاری و انجام حرکات یا اقدام غیر اخلاقی و مجرمانه در جامعه جلوگیری نماید (پیشگیری اجتماعی)؛

۲. اقدامات پیشگیرانه وضعی، از نظر روش و ابزار محدودیت ندارد و می‌توان از ابزارهای متنوع و هم‌عرض برای مصون‌سازی گروه‌های آسیب‌پذیر استفاده کرد.

۳. با پیگیری سیاست کیفری افتراقی، حمایت کیفری خاص و مناسب‌تری از افراد یا گروه‌های در معرض آسیب، مانند زنان و کودکان به عمل آورد.

سخن آخر اینکه محدودیت‌های مورد اشاره برای زنان که عمدتاً تکلیفی برای ایشان جهت انجام یا ترک برخی اعمال و به ویژه عدم تصدی برخی مسئولیت‌ها در راستای پیشگیری از آسیب و بزه‌دیدگی ایجاد کرده است، در دورانی مطرح بوده است که افراد حقیقی و اجتماعات کوچکی مانند خانواده و قوم و قبیله، مسئول اصلی و بلاواسطه امنیت و محافظت از خود بوده‌اند. در این شرایط، طبیعی است که توصیه یا الزام به انجام اقدامات فردی جهت مراقبت از خود و یا رسم و عرف خانوادگی و قبیله‌ای برای مراقبت از منافع و حیثیت خانواده و قبیله اهمیت و جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. بر این اساس، در دوران معاصر و استقرار حکومت‌های فراگیر و بااقتداری که از ناحیه شهروندان جهت تأمین و تضمین امنیت ایشان مشروعیت و مقبولیت یافته‌اند، انتظار این است که حکومت سازوکار مراقبت از آزادی‌های افراد را به گونه‌ای تنظیم کند که شهروندان و به ویژه افرادی که به دلیل شرایط جسمانی یا جهات دیگر، بیشتر در معرض خطر و بزه‌دیدگی هستند، ناچار نباشند برای مراقبت از خود و پیشگیری از بزه‌دیدگی از برخی حقوق و آزادی‌های خود صرف نظر نمایند.

کتاب شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المعنى، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۵ ق.
۳. احمدی، حبیب، مریم سروش و حسین افراسیابی، «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۴، ۱۳۸۸ ش.
۴. اصفهانی، حسن بن محمد، تفسیر صفی‌علی‌شاه، تهران، منوچهری، ۱۳۷۸ ش.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۶. جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالك الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۷. جلالی، محمود، «حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ۱۳۸۳ ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل‌البتیت، ۱۴۰۹ ق.
۹. خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مهر، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. دوران، ویل، تاریخ تمدن، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰ م.
۱۲. رستمی تبریزی، لمیاء، «درآمدی بر رویکرد جنسیتی جرم‌شناسی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. سیفی، علی‌اکبر، دلیل تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین، الدرّ المشهور، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۳ م.
۱۶. ضابطیان، الهام، محمدرضا بمانیان و مجتبی رفیعیان، «بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضاهای شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان؛ نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، المسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، مرتضویه، ۱۳۸۷ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. طبّیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ق.
۲۲. فهرستی، زهرا، «نقد آرای فاطمه مرنیسی در خصوص حجاب»، پژوهش زنان، دوره سوم، شماره ۳، ۱۳۸۴ ش.
۲۳. قربان‌نیا، ناصر و همکاران، بازپژوهی حقوق زن، تهران، روز نو، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، چاپ چهارم، قم، دار الکتب، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۲۶. کاسانی، علاء‌الدین، *بدائع الصنائع فسی ترتیب الشرائع*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۹۸۲ م.
۲۷. کاشانی، ملافتح‌الله، *منهاج الصادقین*، تهران، کتاب‌فروشی علمی، ۱۳۳۶ ش.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. محقق، محمدباقر، *نمونه بینات*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۳۰. مدرس، محمدتقی، *تفسیر هدایت*، ترجمه احمد آرام، بی تا.
۳۱. مطهری، مرتضی، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا، ۱۳۶۸ ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، چاپ پنجم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. مهریزی، مهدی، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
۳۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)*، به قلم سیدمهدی سیدزاده ثانی، ویراست ششم، ۱۳۹۰ ش.
۳۶. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۳۷. نراقی، احمد، *رسائل و مسائل، کنگره بزرگداشت محققان نراقی*، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. نووی، روضه الطالبین، چاپ دوم، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۳۹. یزدی، محمدکاظم، *العروة الوثقی*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
40. Gilling, Daniel, *Crime prevention theory, policy and politics*, Taylor and Francis Group, e- Library, 2005.
41. McLaughlin, Eugene & John Muncie, *The Sage Dictionary of criminology*, Sage Publications, London, 2001.
42. Stanko, Elizabeth, "The case of fearful women: gender, personal safety and fear of crime", *Woman and criminal justice*, no. 4, 1992.